

متن پرسش

با سلام مجدد: استاد محترم. من توی سوال شماره (۲۲۲۵۰ یا ۲۲۲۵۹) درباره نماز پرسیده بودم. اگر که نماز نتونه به رفع توهم کمک کنه بذارمش کنار. یک حقیقتی که من از اون بابت نگرانم این هست که هر چی از دوران کودکی دور میشیم حقیقت زندگی رو بیشتر می فهمیم و من یکباره با این حقایق روبرو شدم. برای همین دچار این دست افکار میشم. شاید دلهره ام از این هست که آیا من مثلا در طی ده سال آینده چقدر خواهم توانست با این حقایق هماهنگ بشم؟ چقدر خواهم توانست نماز واقعی بجا بیاورم؟ خسته ام از این تلاش و در جا زدن، نماز یکجور متعادل کردن ذهن ما رو باعث میشه؟ درست هست؟ در واقع نماز یک جور مراقبه هست که در کنار مراقبه باید موارد دیگر چون تغذیه درست و سبک زندگی درست رعایت بشه تا به نتیجه برسیم؟ ولی این جور تفسیری با آن دست هشدارها که اگر یک روز نماز نخونی دچار غضب پروردگار میشی و تو رو نمی بخشند و... جور در نیاید. من خیلی شاکی ام از اینگونه طرز تلقی ها و این زبان دور از فهم دین. به دعاهاى شما و مخاطبان محترم سایت شما نیازمندیم. موفق و پیروز و شاد باشید

متن پاسخ

باسمه تعالی. سلام علیکم: آنچه در امثال نماز برای انسان پیش می‌آید تحقق روحیهی عبودیت است تا حضرت رب العالمین با ربوبیت خود ما را دستگیری کند و اصل عبادت به تسلیم امر و نهی الهی است حال چه با حضور قلب باشد و چه نباشد؛ در هر صورت آن عزم اولیه در میان هست و تقویت وجه عبودیت ما در آن راستا به وجود می‌آید، به همین جهت ما دستورات الهی را ابتدا به عنوان تکلیف خود می‌پذیریم و انجام می‌دهیم و نباید به هیچ وجه از این غافل شد به طوری که در روایات داریم «فناى فى الله تحقق امر و نهى الهى بر جان انسان است». موفق باشید